

استاد شبیه سازی

ناهید مغاره عابد

محمد باقر سمیرمی نقاش باشی از هنرمندان برجسته اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی است. وی به سال ۱۲۸۳ ه.ق در دهنوی سمیرم (واقع در جنوب اصفهان) به دنیا آمد و همان جا نشو و نمو یافت و سپس برای کسب هنر دلخواه خود به اصفهان رفت. پدرش (حاج ملا علی اصغر دهنوی) باغبان ظل السلطان بود. "سمیرمی با استعداد درخشانی که در نوجوانی داشت مورد تشویق شاهزاده ظل السلطان قرار گرفت و از او لقب نقاش باشی دریافت کرد.^۱ رفته رفته با دلبستگی ذاتی به هنر نقاشی و نبوغ فطری، مراحل رشد و ترقی را پیمود و در چهره نگاری و قلمدان سازی به مقام استادی رسید. علاوه بر آن سال‌ها برای فراگیری زبان عربی و علوم اسلامی کوشش و در این رشته‌ها نیز معلوماتی کسب کرد.

عبدالعلی ادیب برومند، پژوهشگر هنر ایرانی در مجله «میراث جاویدان» آورده است که "بنابر آنچه معاصران وی نقل کرده اندو حقیر از مرحوم استاد خطائی شنیده ام، استعداد سرشارش در نقش آفرینی از نخست چنان چشم گیر بوده که محسود استادان خود واقع می‌شده و در تعلیم وی چندان دل بستگی و پی گیری نشان نمی‌داده اند. به این جهت نقش بند نوجوان، مناظر طبیعی اصفهان و سمیرم را به منزله استاد خود گرفته و در کنار طبیعت به آفرینش نقوش زیبا و دل آویز پرداخته تا به تدریج در طبیعت سازی و چهره آرایبی از سرآمدان هنر در اواخر عهد قاجار گردیده است.^۲ وی به واسطه طبع کنجکاو و جست‌وجو گرش در دامن طبیعت و با یاری ذوق و استعداد ذاتی و کوشش‌های مداومش در رشته‌های گوناگون نقاشی از قبیل رنگ و روغن، آبرنگ، سیاه قلم، طراحی، شبیه پردازی، جانور سازی، گرفت و غیر حیوانات، منظره سازی و ابداع رنگ‌های متنوع و زیبا تبدیل به استادی پر آوازه در دوران خود گشت." به گفته مرحوم اسلامیان که از قول پدرش صحبت می‌نمود، روایت می‌کرد که مرحوم پدرم در اصفهان قلمدان سازی می‌کرد و اغلب حواشی و اطراف آن را نقاشی و تذهیب می‌نمود. سمیرمی که دوره نوجوانی خود را طی می‌نمود، پهلوی پدرم می‌رفت و مدت‌ها بطرز کار و رنگ آمیزی آنها دقت کرده و اول تک تک اسامی رنگ‌ها و طرز عمل آوردن آنها را می‌پرسید و چون اهل طبیعت و عاشق زیبایی‌های آن بود، به دامن صحرا برمی‌گشت و هر آنچه دیده بود بروی کاغذ می‌آورد و مداوماً تمرین می‌نمود.^۳

سمیرمی در خلق مناظر موج و آرایش دشت و دمن که ریشه در خاطرات دوران کودکی اش داشت، قدرت قلم و تبحر خاصی از خود نشان می‌داد به طوری که بیشتر کارهای خود را در طبیعت به کمال رساند و آثار حیرت انگیزی به وجود آورد. علاقه‌مندی او به تماشای باغ و صحرا و کوه و دشت باعث شد تا علاوه بر نقاشی و کسب علم، به کشاورزی و باغ داری که شغل پدری‌اش نیز بود تمایل نشان دهد و گاهی شخصاً در این امور مباشرت کند.

او در شبیه سازی استادی بی‌نظیر بود چنان که کوچک‌ترین نشانه‌ای را از نظر دور نمی‌داشت. به تصویر کشیدن نگاه زنده و نافذ در چهره اشخاص و توجه به زیبایی و برازندگی پوشش آنان و سایه پردازی ماهرانه نیز از مشخصات کارهای او بوده است. در کارهای خود بسیار نو آوری داشت و از تقلید و تمکین دوری می‌جست. در رنگ آمیزی نیز دارای ابتکار بود به طوری که از ترکیب رنگ سبز و سرنج، رنگی نو ساخته بود و در آثار خود به کار می‌برد تا جلوه گر غروب آفتاب در دشت و دمن زادگاهش باشد. او در ساخت قلمدان، سبکی کاملاً مشخص و منحصر به فرد داشت، بدین صورت که به جای آبرنگ از رنگ و روغن برای خلق تصاویر ظریف و کوچک مدد می‌جست. جای شگفت است که با رنگ و روغن چنان لطیف و ظریف صورت پردازی و منظره سازی می‌نمود که با آب رنگ هم چنان لطافت و ظرافتی را مشکل بتوان به ظهور رساند.



ظل السلطان



قلمدان‌هایی که بدین صورت ساخته و پرداخته است با تصاویری زنده و بدون هیچ نقصی چنان دل‌انگیز به وجود آمده که گویی تازه از زیر دست استاد خارج گشته و تولدی تازه یافته است.

"شگرد سمیری در سطح رویین قلمدان، ترسیم یک یا چند صورت از مردان یا زنان است و در قاب بندی بالا و پایین قلمدان، نشاندن طوطی بر روی شاخه درخت شکسته و در سطوح جانبی، منظره چراگاه و نی زار و بیشه و تصویر گاو و گوسفند و آهو و گوزن و شیر است."^۴ مقوا سازی قلمدان‌های او نیز تا حدودی با سایر هنرمندان متفاوت و از اندازه قلمدان‌های معمولی تا حدی کوچک‌تر، خوش دست و خوش تراش‌تر بود. سمیری با نقاشان و قلمدان‌سازان روس نیز رقابت کرده و نقوش آنان را همانند ماهرترین هنرمندان روس، روشن و پر جمال به عمل آورده است.

وی تا پایان عمر با سادگی روستایی زندگی کرد و دارای مشرب عرفانی بود و "از نظر مذهبی وسواس زیادی داشته است. نقل قول‌های شنیده شده نوادگان وی از جمله حاج بختیار کمالی گواه این ادعاست. وی نقل می‌کند که مرحوم نقاشباشی هنگام خواندن نماز و قبل از گرفتن وضو اکثر مواقع برای احتیاط چند قدم با پای برهنه روی زمین خاکی راه می‌رفته است و نقل قول دیگر اینکه از بین نقاشان برجسته و خوش ذوق دوره قاجاریه نقاشباشی را طبق درخواست حاکمان برای عزیمت به خارج راهی می‌کنند که وی تا اهواز می‌رود و سپس منصرف می‌گردد و برمی‌گردد. موقعی که ظل السلطان حاکم وقت از جریان کار اطلاع پیدا می‌کند عصبانی می‌شود و از جملات رکیک استفاده می‌کند که چرا برگشتی؟ و سمیری جملات رکیک را به خود ظل السلطان نسبت می‌دهد و می‌گوید که من نمی‌خواستم بروم و در غربت میان کافرهای بمبیرم و حاکم وقت خطاب به سمیری می‌گوید: (حیف که به تو احتیاج دارم و الا دستور می‌دادم سرت را بزنند)."^۵ وی در بعضی از انجمن‌های اصفهان شرکت می‌کرد و خود عضو انجمن ادبی شیدا بود و شعر می‌سرود و صدقی تخلص می‌کرد. دفتر شعری نیز از وی به یادگار مانده که قریب به ۲۰۰۰ بیت شعر دارد. این بیت از اشعار وی مشهور است:

مغز نغزی جو که نزد من عرف / یک گهر بهتر که یک دریا خرف
شعر زیر نیز از اوست:

زایرو کمان کشید و ز گیسو کمند را
تا صید کرد مرغ دل مستمند را
خواهدرهایی از سر آن زلف مرغ دل
لیکن برون ز پا نتوان کرد بند را
بندی ز دوست عاشق صادق نمی‌برد
گر از همتش برند همه بند بند را
کلکی که بست نقش پریوار آن نگار
دیوانه ساخت صدقی مشکل پسند را

"مشهور است در اوایل قرن بیستم همانند کارهای این هنرمند را که طالبان بسیار داشت پس از مرگش در ژاپن می‌ساختند و در بازارهای شرق و غرب به بهای گزاف می‌فروختند"^۶ به طوری که از کار اصل به راحتی تشخیص داده نمی‌شد. استاد محمد باقر سمیری سرانجام در سال ۱۳۵۱ ه.ق در اصفهان درگذشت. مدفن او در تخت فولاد اصفهان است. بر سنگ قبرش نوشته شده که در ۶۸ سالگی و به تاریخ دهم ربیع الثانی ۱۳۵۱ ه.ق فوت کرد. وصیت نامه سمیری در دستک کوچکی که از او به یادگار مانده نزد ورثه او است. وی در این وصیت نامه نام خود را چنین می‌آورد: «محمد باقر ملقب به نقاشباشی دهنوی سمیری الاصفهانی». این وصیت نامه مهور به مهر محمد باقر و نوشته شده با خط نستعلیق و به تاریخ ۱۳۳۳ است. آثار وی دارای رقم «سمیری» و یا «احقر عباد میرزا محمد باقر نقاش باشی سمیری» همراه با سال خلق اثر است و در برخی از آثار وی عدد ۳۰۳ درج شده که با حروف ابجد به معنای باقر است. برخی از آثار نقاشی رقم دار وی عبارت‌اند از:

- تصویر آقا نجفی معمم اصفهانی که در کمال استادی کشیده شده است، رنگ و روغن، با رقم «احقر عباد میرزا محمد باقر نقاشباشی سمیری ۱۳۱۸».

- تصویر جد مرحوم صنیع خاتم (محمد جعفر شیرازی خاتم ساز) با عبا و عمامه، در حاشیه اشعاری از قدسی شیرازی درج شده که تاریخ وفات وی را نشان می‌دهد، رنگ و روغن، با رقم «سمیری» متعلق به مجموعه آقای محمد علی کریم زاده.

- تصویر مرحوم شیخ محمد علی نجفی (تفه الاسلام) با رقم «سمیری»، مجموعه آقای محمد مهریار.

- تصویر زن جوان با لباس آبی راه راه که در کمال دلربایی نقاشی شده است، آبرنگ، با رقم «سمیری» مجموعه آقای صمد خورشید.
- منظره کوه و دشت و دمن، درخت و گیاه همراه با غزال و آهوان در میان، رنگ و روغن، با رقم «سمیری»، مجموعه آقای ادیب برومند.

- تصویر آیت الله العظمی آقا میرزا سید مسیح (محمد مسیح) موسوی چهارسوقی، رنگ و روغن، نقاشی از روی عکس کشیده شده است. با رقم «۳۰۳ سمیری»، تابلو نزد حاج آقا محمد علی روضاتی چهارسوقی اصفهانی، نوه ایشان است.

- تصویر سه شخصیت رضا نواب ثانی همراه برادر و فرزندش، در زیر تابلو نیز شعری با این مضمون نوشته شده است:

غرض نقشی است کز ما باز ماند / که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی برحمت / کند بر حال درویشان دعایی

این تابلو با رقم «الاحقر صنعه السمیرمی سنه ۱۳۴۲» نزد آقای دکتر نواب است.

- تابلوی شیرها که تاریخ ۱۳۳۴ را دارد، با رقم «۳۰۳ سمیرمی» متعلق به یکی از مجموعه داران اصفهان.

- تابلوی ناصرالدین شاه که در محل چهلستون قزوین (کوشک) وابسته به میراث فرهنگی نگهداری می‌شود.

قلمدان‌هایی با نقوش متنوع شامل:

- تصویر نور علی شاه که در وسط ایستاده و در بالا و پایین پرندگان زیبایی نقاشی شده است، با رقم «۳۰۳ سمیرمی ۱۳۲۷»

- شمایل نور علی شاه که با شادابی بسیار نقاشی شده و دو طوطی خوشرنگ و چشم نواز در بالا و پایین رویه اضافه شده است، در حاشیه

و دیواره‌های قلمدان منظره کوه و دشت و حیواناتی از قبیل شیر و گاو در صحرا دیده می‌شود، با رقم «سمیرمی ۱۳۲۴»، مجموعه آقای

ادیب برومند.

- تصویر حضرت مریم و عیسی با چهره‌هایی ایرانی، در بالا و پایین رویه طوطی رنگینی ترسیم شده با حاشیه جنگل و نیزار که در بین آن

دو شیر نر و ماده به گشت و شکار مشغول‌اند با رقم «سمیرمی ۱۳۲۴»، مجموعه آقای ادیب برومند.

- تصاویری از درویشان و عرفا و رجال نامی اصفهان، حکام وقت و زنان درباری، با رقم «سمیرمی» که در مجموعه‌های شخصی و عتیقه

فروشی‌ها نگهداری می‌شود.

- سه تصویر از ظل السلطان با جامه‌های مختلف به صورت نیم رخ و تمام رخ و در کمال چیره دستی به تصویر کشیده شده. اطراف این

تصاویر را استادی قوی دست، احتمالاً خود سمیرمی، با تصویر و طلا کاری آراسته است. در حاشیه شیر ایرانی تصویر شده که از داخل

نیزارهای گاوخونی به طرف صیاد حمله می‌کند و صیاد به حالت ناتوانی اسلحه خود را به زمین افکنده و جانور را با عجز نظاره می‌کند.

سمیرمی چیره دستی و توانایی خود را در نگارگری این صحنه بدیع با تصویر منظره غروب آفتاب در افق‌های دور دست مرداب پوشیده از

نی، با رنگ‌های طبیعی و دلفریب، که کمتر از ۱۰ سانتی‌متر درازا دارد به خوبی نمایان ساخته است.

- تصویر یک زن ارمنی با لباس ارمنه دهات جلفای اصفهان در وسط و در قسمت بالا و پایین دو تصویر دیگر به صورت نیم تنه تمام

رخ، یکی با لباس بانوان اروپایی و دیگری با لباس شاهزاده خانم‌های روس، با شکوه بسیار تصویر شده است. حاشیه قلمدان تصویر بانویی

است که در بالین خود با کودک خردسالش آرمیده است. بقیه سطوح جلد و کشوی قلمدان توسط هنرمند دیگری بسیار ظریف و لطیف

طلاکاری و تذهیب شده است.

قاب آئینه

- قاب آئینه با تصاویر تمام قد اسفندیار و گشتاسب که پشت سر آنان مناظر کوه‌ها و درختان زیبا جلب نظر می‌کند. دو لک لک زیبا در

آسمان پرواز می‌کنند و یک لک لک در رودخانه سرگرم شکار است. پشت قاب آئینه اسکندر پیروز را ایستاده با آرایش سلطنتی نشان

می‌دهد که دو سردار زندانی دشمن در پیش روی وی زانو زده و زندانیان، ناظر این صحنه هستند. در یک تریج گلابی شکل که در بالا

نیز قرینه اش ترسیم شده، رقم «سمیرمی ۱۳۲۰» درج شده است. متعلق به مجموعه آقای کریم زاده تبریزی.

معرفی نقاشی‌های سمیرمی در موزه هنرهای تزیینی و کاخ موزه چهلستون

- چهره ظل السلطان، رنگ روغن، به ابعاد ۸۲ × ۴۹ سانتی‌متر، این نقاشی یکی از آثار برجسته دوره قاجار است که از روی عکس و به

شیوه واقع‌گرا ترسیم شده است.

در این تصویر نخستین عنصری که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند شکوه و اقتدار شاهزاده قاجار است که کلاه قاجاری بر سر دارد و

جامه تیره رنگ با نوار قرمز و دکمه‌های طلایی شیر و خورشید بر تن کرده، ردای ترمه‌ای با نقش بته جقه‌ای مزدوج و براق دوزی شده

بر دوش انداخته و قسمت پایین عبا را با دستان خود نگاه‌داشته است. سمیرمی در این نقاشی به همانند سازی با بافت‌های طبیعی دست

و صورت، پارچه و فلز توجه بسیاری داشته و به حدی بافت‌ها را نزدیک به واقعیت ترسیم کرده که بیننده احساس می‌کند تصویر زنده و

حاضر در مقابل وی نشسته است.

زمینه نقاشی به رنگ تیره است و بیشتر به جلوه گر ساختن سوژه کمک می‌کند. سمیرمی همچنین با قرار ندادن هرگونه شیء در کنار

اندام و با حذف تزیینات و نقوش، در پس زمینه اثر و پرداختن به جزئیات لباس به ویژه نقوش ترمه، در تمرکز و تأکید شخصیت به شکل

اغراق آمیزی موفق بوده است. این نقاشی در موزه هنرهای تزیینی اصفهان نگهداری می‌شود. در گوشه سمت راست نقاشی امضای این

تابلورا می‌بینیم که رقم «احقر عباد محمد باقر نقاشباشی سمیرمی ۱۳۰۷» را نشان می‌دهد. عکسی که سمیرمی از روی آن، این نقاشی را

کشیده توسط ارنست هولستر عکاس آلمانی گرفته شده که مقارن سال‌های حکمرانی ظل السلطان به اصفهان آمد. این عکس در کتاب

هولستر موجود است.

گفته می‌شود که "نقاشی کشیده شده از نظر رنگی بودن و کار زیادی که روی آن انجام شده به مراتب بیشتر از عکس وی چشمگیر بوده

و ظل السلطان با دیدن این نقاشی بسیار خوشحال می‌شود و او را تحسین می‌کند و به وی می‌گوید اگر تقاضایی داری بگو و سمیرمی در

جواب می‌گوید قطعه زمین بایری کنار قریه دهنو است و افراد بیکاری هم هستند، به من اجازه بدهید تا بتوانم این زمین را به کمک

کارگران بیکار حصار کشی کنم که بعد از کسب اجازه این زمین را که حدود بیست هزار متر مربع بوده حصار کشی می کند و همراه قطعه زمین دیگری که پشت باغ بوده با احداث چاه و کشت اشجار به زمین کشاورزی تبدیل می کند که از آن زمان به بعد به باغ نقاشباشی معروف می گردد و در سال ۱۳۷۴ شهرداری مبارکه با توافق وراثت آن مرحوم قسمت اعظم باغ را برای احداث پارک به نام نقاشباشی تملک کردند که قسمتی از آن نیز به کانون فکری فرهنگی کودکان و نوجوانان و دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص پیدا کرده است.^۷

شاهزاده مسعود میرزا معروف به ظل السلطان در سال ۱۲۶۶ ه.ق متولد شد. پس از فوت چهار تن از برادرانش، در ایام کودکی پسر اول ناصرالدین شاه به حساب می آمد، اما به علت اینکه بین شاهان قاجار رسم بر آن بود پسرانی را به ولایتعهدی بگمارند که از جهت مادری هم از نسل قاجار باشند و مسعود میرزا از این گونه نبود، لذا از این موقعیت محروم بود و این موضوع عقده بزرگی برای او شد. از این رو برای دستیابی به این مقام به هر کاری دست می زد ولی با همه کوششی که داشت موفقیتی به دست نیامد. "در طول حکومت خود در اصفهان از هر راه و روشی که امکان پذیر بود چه از راه چپاول اموال خلق و یا غارت سرمایه های ارزشمند فرهنگی و هنری، آنقدر پول به جیب زد که نوشته اند: وی در زمان سه تن از پادشاهان ایران یعنی ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، و محمد علی شاه، اول متمول ایران بوده و علاوه بر آن مستمری زیادی نیز به او تعلق می گرفته است." "در مدت سی و چهار سال حاکم مطلق و و مسلط بر همه چیز اهالی اصفهان بود و تمام این مدت را به ظلم و ستم و گرفتن حقوق مردم و کشتن مخالفان، بی عفتی، عیاشی و خراب کردن آثار مهم و تاریخی شهر از جمله بناهای عصر صفویه گذرانید و شاید اگر حضور و وجود برخی از علما و دانشمندان شهر و ایستادگی آنها در مقابل او نبود معلوم نمی شد که بر سر اصفهان و مردم آن چه می آمد."^۸ سرانجام مردم اصفهان پس از سی و چهار سال حکومت مستبدانه وی، اعتصاب عمومی به راه انداختند و طی آن خواستار عزل ظل السلطان از مرکز شدند. وی نیز علی رغم میل باطنی خود استعفا کرد و بلافاصله نیز به سمت حاکم فارس منصوب شد و پس از مدتی از ایالت فارس نیز معزول و رهسپار فرنگ شد.

"ظل السلطان در اواخر جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و به اصفهان آمد و در باغی مشهور به باغ نو که عمارت اختصاصی او بود در حالت انزوا زندگی می کرد. در اواخر عمر نیز بواسطه دریافت خبر مرگ فرزندش بهرام میرزا به حالت جنون و پریشان حالی می زیست تا بالاخره در بیست و دوم ماه رمضان سال ۱۳۳۶ قمری در سن هفتاد سالگی در گذشت که جنازه او را به مشهد انتقال دادند. از او تألیفی به نام تاریخ سرگذشت مسعودی بر جا مانده که در آن برخی حکایات مربوط به خود و دوران حکومتش را آورده و قسمتی از آن نیز مربوط به انواع شکار است."^۹

- تصویر حسین قلی خان بختیاری (رئیس ایل بختیاری) به حالت ایستاده و تمام قد، رنگ و روغن به ابعاد ۲۲۵×۱۳۹ سانتی متر در این تابلو چهره حسین قلی خان بسیار طبیعی با چشمانی پرفروغ و ابروانی کشیده با ریش و سبیل به تصویر کشیده شده است. جامه وی کت تیره رنگی است که بر روی آن خلعت بلند ترمه ای با نقش سروی پوشیده است و سرتاسر لبه و پایین آن نوار دوزی شده و خز بسیار زیبایی دارد. در قسمت جلوی خلعت قیطان های طلایی رنگ و در گوشه پایین آن و درون نقشی به شکل ترنج، نوشته «...ممتاز اعلی» دیده می شود که احتمالاً محل تولید ترمه را نشان می دهد.

در سمت راست تصویر گوشه ای از یک مبل آبی رنگ تصویر شده که حسین قلی خان دست خود را به روی آن تکیه داده است و در سمت چپ نیز قسمتی از یک میز چوبی با رومیزی آبی و گوشه کتابی بر روی آن دیده می شود. در پشت سر حسین قلی خان تابلوی منظره با دور نمای کوه و دشت و دریاچه که خاص کارهای سمیرمی است، دیده می شود. کف اتاق با فرش زیبایی که دارای نقوش ظریف در حاشیه و لچک و وترنج است مفروش شده است. در این اثر خطوط مورب و منحنی در اندام مرتبط با سطوح مستقیم و هندسی زاویه دار زمینه است و مجموع خطوط در تقابل با هم آفریننده زیبایی هستند. وی در این اثر با مصور ساختن شمایل ایستاده با زاویه دید از روبه رو در کاردی عمود مفهومی از استقامت و نیز نمادی از نیرویی را که از داخل پرده به سمت خارج پرده در حرکت است نشان می دهد.

سمیرمی برای فضا سازی کارش با تفکر انسان مداری که در آثار سبک قاجار موج می زند، محاسبات بسیار دقیق و ظریف هنری انجام داده است به صورتی که سوژه اصلی (انسان) را در مرکز و در دو طرف راست و چپ آن اشیایی را به صورت قرینه و مکمل با رعایت اصول پرسپکتیو قرار داده و از نظرهارمونی رنگ و فضای اشغال شده، ترکیب بندی بسیار جالبی را به وجود آورده است. همچنین تابلویی که در پس زمینه و فرشی که در کف اتاق وجود دارد به هماهنگی و اتحاد این ترکیب بندی کمک شایانی کرده است. وی در این تابلو به خوبی از تفاوت رنگها برای نشان دادن دور و نزدیک (ژرفا) استفاده کرده است و عناصری مانند انواع خطوط، سطوح، همراه با کیفیاتی مانند بافت، نور، حجم پردازش، پرسپکتیو و همانند سازی را به کار گرفته تا اثری زنده و جاویدان از خود به جای گذارد و تجربیات سنتی و مدرن زمان خود را به نمایش در آورد.

این تابلو در تخت فولاد اصفهان و بر سر مزار حسین قلی خان در تکیه بختیاری ها بوده و از سال ۱۳۷۶ برای جلوگیری از تخریب و محافظت بیشتر به کاخ موزه چهلستون منتقل و اینک در مخزن موزه موجود است. امضای این نقاشی در قسمت پایین گوشه سمت چپ تصویر دیده می شود که با رنگ سفید و قلم گیری سیاه (احقر ۳۰۳ عباد صنعه نقاشباشی سمیرمی ۱۳۳۹) رقم شده است.

- چهره سردار اسعد بختیاری که با صلابتی بسیار بر روی صندلی چوبی نشسته است، رنگ و روغن به ابعاد ۹۱×۷۱ سانتی متر. در این تصویر سردار اسعد یک کلاه قاجاری با نشان شیر و خورشید طلایی بر سر گذاشته و لباس نظامی با تزئینات و یراق آلات طلایی رنگ بر تن کرده است. همچنین نشان الماسی چند پر به همراه حمایل آبی رنگ بر سینه دارد که اختصاص به سرداران



سردار اسعد بختیاری

بزرگ داشته و برای شایستگی به ایشان داده می‌شده است. وی دستکش‌های سفیدی بر دست کرده و شمشیری را با دو دست گرفته است.

سمیرمی در این نقاشی شکوه و اقتدار خاصی را که مخصوص سران ایل بختیاری است به خوبی به تصویر کشیده است. وی برای جلب نظر بیننده به مرکز اثر از کادر بیضی شکل استفاده کرده است که نمودی مرکز گرا دارد. در رنگ آمیزی این کادر و زمینه کار نیز رنگ‌های خونسرد و طبیعی به کار برده است تا با تأثیر خاموشی و تیرگی و یکنواختی که در این رنگ‌ها موج می‌زند به جلوه گر ساختن سوژه کمک بیشتری کند. همچنین با حذف تزیینات و نقوش در پس زمینه اثر و پرداختن به جزئیات لباس به ویژه براق آلات و حمایل و نشان و دستکش‌های سفید رنگ سوژه ناخود آگاه توجه بیننده را به شمشیری که در دستان سوژه است جلب می‌کند. سمیرمی بدین وسیله کوششی در جهت تأکید شخصیت سوژه به عمل آورده و به هدف خود که همانا نشان دادن قدرت و اقتدار سردار بختیاری بوده، رسیده است.

وی با چنان مهارتی به سبک قاجار، به ریزه کاری بافت‌های مختلف پرداخته که جنسیت هر آنچه ترسیم کرده از ورای تابلوی نقاشی قابل لمس است. در رنگ آمیزی لباس از تضاد تاریکی و روشنی مدد جسته تا علاوه بر برجسته نشان دادن براق آلات بر روی لباس، جنسیت آن را نیز نمایان سازد. صورت سردار اسعد را با انعکاس نور ملایمی به روی گونه‌ها، بینی و چانه چنان حجم پردازی کرده که به تصویر روح بخشیده است. همچنین نگاه وی را از روبه‌رو نقاشی کرده تا باعث رسمیت بخشیدن به شخصیت اثر در عین قدرت نمایی شود. این تابلو تا سال ۱۳۷۶ هجری خورشیدی در تکیه تخت فولاد اصفهان بر سرمار سردار اسعد بوده و از آن به بعد برای حفاظت بیشتر به کاخ موزه چهلستون انتقال یافته است و در مخزن موزه نگهداری می‌شود. امضای این تابلو در قسمت وسط پایین و بر روی کادر بیضی شکل و با رنگ سفید (صنعه ۳۰۳ سمیرمی ۱۳۳۰) رقم خورده است.

پی‌نوشت

- ۱- سامی، مهدی «چهره‌های ماندگار، نقاش باشی سمیرمی درخشان ترین قلمدان ساز و هنرمند هنرهای تزیینی ایران»، در «گردشگران سمیرم»، سمیرم، شهریور ۱۳۸۵، ص ۸
- ۲- ادیب برومند، عبدالعلی، «دو هنرمند نقاش و چند خاندان هنرمند اصفهانی»، در «وقف میراث جاودان»، سال
- ۳- نجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص ۳۳۱ کریم زاده تبریزی، محمد علی، «حوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی»، انتشارات مستوفی، چاپ اول، لندن ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۶۶۴
- ۴- ادیب برومند، عبدالعلی، همان
- ۵- کمالی، مصطفی، «محمد باقر نقاشباشی دهنوی سمیرمی» در «فرهنگ اصفهان»، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۶، ص ۸۵-۸۶
- ۶- احسانی، محمد تقی، «جلدها و قلمدان‌های ایرانی»، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸، جلد اول، صص ۴۰-۴۱
- ۷- کمالی، مصطفی، همان
- ۸- ریاحی، محمد حسین، «نمونه حاکمیت جور ظل السلطان و اصفهان»، در «فرهنگ اصفهان»، شماره یازدهم، بهار ۱۳۷۸، صص ۹۴-۹۵.
- ۹- همان، ص ۱۰۱.

منابع

- احسانی، محمد تقی، «جلدها و قلمدان‌های ایرانی»، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸
- ادیب برومند، عبدالعلی، «دو هنرمند نقاش و چند خاندان هنرمند اصفهانی»، در «وقف میراث جاودان»، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۶
- پاکباز، روبین، «دایره المعارف هنر»، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۸
- جلالی جعفری، بهنام، «نقاشی قاجاریه، نقد زیباشناسی»، انتشارات کاوش قلم، تهران، ۱۳۸۲
- حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع، «تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی از کهن ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجاریه، از مانی تا کمال الملک»، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، بخش دوم، تهران، بهار ۱۳۶۹
- خسروی بختیاری، عبدالعلی، «تاریخ و فرهنگ بختیاری»، نشر حجت اصفهان، جلد دوم، ۱۳۷۰
- ریاحی، محمدحسین، «نمونه حاکمیت جور ظل السلطان و اصفهان» در «فرهنگ اصفهان»، شماره یازدهم، بهار ۱۳۷۸
- سامی، مهدی، «گردشگران سمیرم»، «چهره‌های ماندگار، نقاش باشی سمیرمی درخشان ترین قلمدان ساز و هنرمند هنرهای تزیینی ایران»، «گردشگران سمیرم»، سمیرم، شهریور ماه ۱۳۸۵
- سرمدی، عباس، «دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، از مانی تا معاصرین کمال الملک»، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۷۹
- کریم زاده تبریزی، محمد علی، «حوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی»، انتشارات مستوفی، چاپ اول، لندن، ۱۳۶۹، جلد دوم
- کمالی، مصطفی، «محمد باقر نقاشباشی دهنوی سمیرمی» در «فرهنگ اصفهان»، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۶
- میر عظیمی، نعمت الله، «اصفهان زادگاه جمال و کمال»، اصفهان، انتشارات گلها، بهار ۱۳۷۹
- نصیری مبارکه، مهدی، «بررسی آثار محمد باقر نقاشباشی سمیرمی و مرمت یکی از تابلوهای وی»، پایان نامه کارشناسی، استاد راهنما: حمید فرهمند بروجنی، شهریور ۱۳۸۰.